

حسین کریمی
معاون قضائی رئیس قوه قضائیه

فرهنگ دادرسی

اشاره:

اطلاع حاصل شد که فرهنگ دادرسی از سوی مؤلف محترم به ناشر سپرده شده است بنابراین با چاپ مدخلهای حرف ن پرونده فرهنگ دادرسی را می‌بندیم تا آن که در آینده‌یی نه چندان دور صورت کامل و تمام آن را، آراسته به زیور طبع، باز یابیم.

مجله حقوقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نابینا

کور، اعمی (ف.معین)

ر.ک: دیه و خسارت نسبت به نابینا ۳۴۲ ق.م.ا - دیه چشم نابینا ۳۷۸ همان -
معاملات نابینا ماده ۶۴ ق.ت - نابینائی زن ۱۱۲۳ ق.م.

ناشر

رساننده خبر، فاش‌کننده، آن که کتاب یا رساله را چاپ و منتشر کند، ناشران و

ناشرین، ج (ف.معین)

ر.ک: ماده ۱۸ ق حمایت حقوق مؤلفان و ...

ناشزه

زنی که از انجام وظائف خود در قبال شوهر امتناع کند — نشوز

ناظر

نظرکننده، نگرنده، مراقب (ف.معین)، ناظران و نظار جمع

ر.ک: دادیار ناظر زندان ماده ۲ آ.کمیسیون عفو — ناظران تعزیرات ماده ۳۱ به بعد
 ق. تعزیرات حکومتی — ناظران صنفی ماده ۸۳ ق. نظام صنفی — تعداد ناظر ۱۱۲ ق.
 امور حسبی — مهندس ناظر ماده ۱۰۰ ق. شهرداری — ناظر بر وصیت ۸۵۷ ق.م — ناظر
 بر وقف ماده ۷۸ همان — ناظر بر تحقیقات ماده ۴۵۰ آ.د.م — ناظر قیم ماده ۱۲۲۲ ق.م —
 ناظر موقوفات ماده ۷ ق. تشکیلات سازمان حج — ناظر ورشکستگی ۴۵۰ ق.ت — هیأت
 نظار ماده ۱۰۹ ق.ت.

ناقص

ناتمام، کم، معیوب، کاهش یافته (المنجد)

ر.ک: ناقص بودن دادخواست، ماده ۸۴ به بعد آ.د.م و ۴۹۵ همان

نام

لفظی که بدان کسی یا چیزی را بخوانند، اسم، اسم هر کس یا چیزی که بدان
 شناخته شود (دهخدا)

ر.ک: نام شرکت ماده ۴ به بعد ق. شرکتهای سهامی و ۱۱۷ و ۱۸۴ ق.ت — نام
 خانوادگی ۹۹۷ ق.م — و ۴۱ ق. ثبت احوال — نامگذاری ماده ۱۷ همان

نامزد

کسی که برای چیزی که بعد واقع می‌شود، معین گردد، پسر یا دختری که برای
 زناشویی با همسر آینده خود نام برده و تعیین شده‌است، معین، مخصوص (دهخدا)

ر.ك: فوت نامزد ۱۰۳۸ ق.م - هدیه نامزد ۱۰۳۷ همان - نامزد ریاست جمهوری ماده ۱۱ ق. انتخابات ریاست جمهوری

نامشروع

غیرشرعی، غیرقانونی، خلاف شرع، (ف. معین)
 ر.ك: اموال نامشروع ماده ۱۲ آ. دادگاههای انقلاب و ماده ۷ به بعد ق. نحوه اجرای اصل ۴۹ - دارایی نامشروع مواد ۵ و ۶ ق. مربوط به رسیدگی به داریائی وزراء و کارمندان دولت - رابطه نامشروع ۶۳۷ ق.م.ا - ثبت مؤسسات با مقاصد نامشروع ماده ۵۸۶ ق.ت

نامطلوب

در لغت به معنی طلب نشده، ناپسند و نامقبول است (ف. معین) و در اصطلاح حقوق سیاسی صفت عنصری دیپلماتیک است که غیرقابل قبول باشد و کشور پذیرنده او را نخواهد.
 ر.ك: عنصر نامطلوب ماده ۲۳ ق. کنوانسیون وین و ماده ۱۲ کنوانسیون مزایا و مأموریت‌های مخصوص

نامتناسب

در لغت به معنی ناموافق و نامتناس است (ف. معین) و در اصطلاح، صفت تأمینی است که با اهمیت و شدت جرم هماهنگ نباشد (ماده ۱۳۰ آ.د.ك)

ناموس

آبرو، عزّت، حرمت، شرم و عصمت، اعتبار زنهای يك خانواده مانند همسر و دختران مرد (دهخدا)

ر.ك: دفاع از ناموس ۶۱ ق.م.ا.

ناودان

راه‌آب، ممر خروج آب پشت‌بام، میراب (دهخدا)

ر.ك: سقوط ناودان ۳۴۸ ق.م.ا. - ممنوعیت ریزش آب ناودان ماده ۸ آ.

پیش‌آمدگیهای ساختمان - حق ناودان ۹۷ ق.م.

نبش

ابراز و کشف شئی مستور (المنجد)

ر.ك: نبش قبر ۶۳۴ ق.م.ا.

نتاج

حاصل، محصول، فرآورده، حمل، بچه، (المنجد) نتیجه، نتایج، ج

ر.ك: نتایج حیوانات ماده ۳۴ ق.م.

نتیجه

۱- ماحصل کار، ثمر، حاصل ۲- ولد، فرزنده، نسل

۳- حکم حاصل شده از جمع صغری و کبری (دهخدا) ← شرط نتیجه

نحله

اعطای مال (المنجد) عطیه و بخشش (ف.معین)

ر.ك: تعیین نحله برای زن از سوی دادگاه، تبصره ۶ ماده واحده اصلاح مقررات طلاق

نخاع

قسمتی از دستگاه مرکزی اعصاب که عبارت از ماده عصبی استوانه‌ی شکل است

که در مجرای ستون فقرات قرار دارد . . . (ف.معین)

ر.ک: ديه نخاع ۴۳۳ ق.م.ا - قطع نخاع ماده ۴۳۴ همان

نذر

عهد، پیمان، وعده، قول (المنجد) التزام قربت، واجب کرده، آنچه واجب گردانند بر خود به شرط چیزی (دهخدا).

ر.ک: مقررات نذر ماده ۴۷ ق. تشکیلات سازمان حج - مصرف نذورات ماده ۵ همان - نذورات اماکن مذهبی ماده ۱۳ آ. انتخاب هیأت امنای اماکن مذهبی

نرخ جرم

میزان جرم، رقم ارتکاب جرم در مقایسه با کل جمعیت، نرخ جرم به وسیله محاسبه تعداد جرایم ارتكابی در يك دوره زمانی مشخص اندازه گیری می شود، فایده این امر در تلاش برای انجام مقایسه ها و سپس استخراج نتایجی است که دلایل تغییرات را بیان می کند. (دانشنامه جرم شناسی ص ۶۸)

نزاکت بین المللی

احترامات و رفتارهای دوستانه دولتی نسبت به دولت دیگر بدون وجود هرگونه تعهدات حقوقی، نزاکت بین المللی براساس مفهوم مساوات دولتها به وجود آمده و معمولاً حالت متقابل دارد. استفاده گسترده از این گونه روشها می تواند در نهایت منجر به ایجاد حقوق بین الملل عرفی شود. (ف. حقوق بین الملل ص ۶)

نزدیکی

همبستری، همخوانی، موافقه، مقاربت، جماع، مباشرت، وقاع، آرمیدن با زن

(دهخدا)

ر.ك: نزدیکی با زن شوهردار، ۱۰۵۱ ق.م. - نزدیکی به شبهه ۱۰۵۵ همان -
نزدیکی و مهریه ۱۰۸۷ به بعد ق.م

نسب

قرابت، انساب، ج (المنجد)

ر.ك: نسب غلط به نوزاد دادن ماده ۶۳۱ ق.م.ا و ماده ۵۱ و ثبت احوال - دلایل
اقامه شده برای نسب ۳۵۵ آ.د.م

نسب در خط اطراف

خویشاوندی که بین دو یا چند نفر به وسیله ولادت از يك نفر به وجود آید، خواه
ولادت مزبور بی واسطه باشد مانند برادر و خواهر و یا با واسطه مانند قرابت پسر
برادر و پسر خواهر یا دخترعمو و پسرعمه (دکتر امامی، حقوق مدنی، ج ۳ ص ۱۷۱)

نسب در خط مستقیم

خویشاوندی نسبی که به وسیله ولادت یکی از دیگری محقق شود مانند قرابت جد
نسبت به نوه و برعکس، قرابت عمودی عنوان دیگر آن است که خود به صعودی و
نزولی تقسیم می شود. (ترمینولوژی حقوق) (دکتر امامی، ج ۳ ص ۱۷۰)

ر.ك: قرابتهای عمودی نزولی و صعودی ۱۱۹۶ ق.م

نسخ

در لغت به معنی از بین بردن و محو کردن و ازاله است و در اصطلاح اسقاط
اعتبار يك قانون به وسیله قانون دیگر است (ترمینولوژی حقوق) / لغو، ملغی

ر.ك: نسخ مقررات شعبه تشخیص، ماده ۲۱ ق. اصلاح پاره‌یی از قوانین

دادگستری

نسخ صریح

اگر قانونگذار ضمن قانون تازه‌یی منسوخ بودن قانون قدیم را اعلان نماید، نسخ صریح انجام گرفته است (ترمینولوژی حقوق)

نسخ ضمنی

هرگاه دو قانون در يك مورد وارد شوند و جمع بین آنها به هیچ وجه میسر نباشد. قانون مؤخر به‌طور ضمنی کاشف از منسوخ بودن قانون مقدم می‌باشد (ترمینولوژی حقوق)

نسق

عملکرد عمرانی کسی که به آبادی زمین اقدام کرده است (ماده ۹ لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی) و *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
ر.ك: بهای نسق اراضی، ماده ۶ و ۲۸ آ. اجرائی لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی

نسق زراعی

اراضی دایر یا آیش ده که تحت شرایطی برای زراعت در دست دهقان قرار گرفته است (ترمینولوژی حقوق)

نسبیه

صفت عقد معوضی که ثمن آن کلی و برای پرداخت آن موعد معین شده باشد، در

مقابل نقد (ترمینولوژی حقوق) خرید و فروشی که بهای آن را نقد ندهند و به مهلت و فرصت ادا کنند، خلاف نقد (دهخدا)

ر.ك: نسیه در حراج ۱۶۷ آ. اجرای مفاد اسناد رسمی

نشر

پراکندن، بسط دادن، پخش کردن (المنجد)، منتشر کردن نسخه‌های کتاب یا رساله، پراکنده کردن صحیفه و مانند آن، پراکندن خبر (ف.معین)

ر.ك: جرائم نشر ماده ۲۵ ق.حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حق نشر ماده ۲ همان - نشر آثار صوتی، ماده ۱ به بعد ق. ترجمه و تکثیر کتاب و نشر آثار صوتی - نشر تهمت ماده ۳۰ ق. مطبوعات، کمک به نشر معارف اسلامی، ماده ۱ ق. تشکیلات سازمان حج

نشریه

ورقه یا مجموعه اوراق چاپی که آن را انتشار دهند، نشریات، ج (ف.معین)

مطبوعه‌یی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره و ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی... و نظایر آنها منتشر شود (ماده ۱ ق. مطبوعات)

ر.ك: تخلف نشریات و جرائم آنها ماده ۲۴ به بعد ق. مطبوعات - تکثیر نشریات، ماده ۱ به بعد ق. ترجمه و تکثیر کتب و نشریات - نشریه زندان ماده ۲۳۲ آ. سازمان زندانها

نشوز

نافرمانی، امتناع، سرکشی (المنجد) عدم اجرای وظائف زوجیت از طرف زن بدون وجود مانع شرعی و قانونی (ف.معین) ارتفاع یکی از دو زوج از اطاعت دیگری، شقاق از دو سوی است و نشوز از يك طرف (شرح لمعه ج ۲ ص ۱۰۴).

ر.ك: طلاق در حال نشوز، ماده ۱۱۰۹ ق.م

نص

چیزی که جز به معنای واحد احتمال نمی‌دهد و چیزی که احتمال تأویل و تفسیر در آن نیست نصوص. ج (المنجد) / عبارت قانون (ترمینولوژی حقوق) عین عبارت، کلام صریح، لفظ آشکار (ف.معین)

نصاب

اصل، مرجع، اول هر چیز، نصب به ضم اول و دوم جمع. (المنجد) حد، حد معین از هر چیز، (ف.معین)
 ر.ک: نصاب قسامه ۲۴۸ ق.م.ا، نصاب اختلاس، ماده ۵ ق. تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری.

نصب

برافراشتن، در وضع ثابت قرار دادن بر منصبی ولایت و سرپرستی دادن. (المنجد)
 ر.ک: نصب قیم ۱۲۱۸ به بعد ق.م و ۴۸ به بعد ق. امور حسبی، نصب آگهی، ماده ۹۱ ق. شهرداری نصب ناودان، ماده ۸. آ. پیش‌آمدگیهای ساختمان نصب بلندگو ماده ۱ به بعد آ. نصب و استفاده از بلندگو. نصب امین ۶۴ ق امور حسبی و ۱۰۳ به بعد همان.

نظارت

مراقبت در اجرای امور، عمل ناظر و مقام او (ف.معین)
 ر.ک: نظارت بر توزیع، ماده ۱ به بعد آ. اجرائی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و ...

نظارت بر آثار ملی، ماده ۱ ق راجع به حفظ آثار ملی، نظارت بر ارز ماده ۲ ق راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی. نظارت بر اصناف ماده ۱۲ به بعد ق.

نظام صنفی. نظارت بر زندانیان ۱۳۵ آ. سازمان زندانها. نظارت بر ضابطین دادگستری ماده ۴۰ آ. د. ک. نظارت بر مطبوعات ماده ۱۰ ق. مطبوعات. نظارت بر انتخابات اصل ۹۹ ق. اساسی. نظارت بر تصفیه مواد ۲۰۶ و ۴۲۷ ق. ت. نظارت بر ساختمان، ماده ۱۰۰ ق. شهرداری. نظارت بر معادن ۳۴ ق. معادن. هیأت نظارت بر ثبت ماده ۲۵ ق. ث. نظارت قاضی بر اجرای حکم ماده ۲۸ آ. اجرائی ق. تشکیل دادگاههای عمومی.

نظارت استصوابی

نوعی از نظارت که با تصویب عمل منظور همراه باشد برخلاف نظارت استطلاعی یا اطلاعی ← نظارت استطلاعی و ماده ۷۸ ق. م.

نظارت استطلاعی

نوعی از نظارت، عمل منظور به اطلاع ناظر می‌رسد و حق رد و قبول با او نیست (ماده ۷۸ ق. م.) ← نظارت استصوابی.

نظام

طریقه، نظریه، قوام (المنجد) نظم و ترتیب و آراستگی / خدمت سربازی / ترتیب و تنظیم بر اصل منطقی و طبیعی (ف. معین) مجموعه یک سیستم اداری یا مملکتی که بر اساس نظمی ایده‌آل و لوژیک یا سیاسی سامان می‌گیرد، قاعده، روش، آیین.

ر. ک: تصدیق خلاف واقع برای نظام وظیفه ۵۳۹ ق. م. ا. - نظام صنفی، ماده ۱ ق. نظام صنفی. نظام فرزندخواندگی ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق کودک - تشخیص مصلحت نظام ۱۱۲ ق. اساسی. حفظ نظام اسلامی اصل ۳ ق. اساسی.

نظام صنفی

قواعد و مقرراتی که امور مربوط به سازمان وظائف، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق قانون تعیین می‌کند (ماده ۱ ق. نظام صنفی)

ر.ک: افراد، تشکیلات، مجامع و شوراهای نظام صنفی مواد ۱۴ - ۲۲ - ۳۰ و ۴۶ ق. نظام صنفی

نظام قیمومت

پدیده یا نهادی که توسط جامعه ملل متحد ایجاد و به موجب آن يك قلمرو تحت قیمومت و سرپرستی طرفهای پیروز در جنگ جهانی اول قرار می‌گرفت تا آن قلمرو آماده پذیرش نقش مستقل خود به‌عنوان عضو جامعه ملتها شود. مناطق تحت قیمومت مثل مناطق امانتی سازمان ملل تحت حاکمیت هیچ دولتی نیستند (ف حقوق بین‌الملل ص ۶۰)

نظامنامه

آیین‌نامه، مقرراتی که مقامات صلاحیتدار، وضع و در معرض اجرا می‌گذارند (ترمینولوژی حقوق)

نظامی

منسوب به نظام، سپاهی، قشونی (ف.معین)

ر.ک: اسناد و اشیاء نظامی مواد ۱۱ و ۶۶ ق. مجازات جرائم نیروهای مسلح.

اسرار نظامی ماده ۴ ق.م.ا غیرقابل استرداد بودن جرم نظامی، ماده ۸ ق استرداد مجرمین صاحب‌منصبان و تا بین نظامی ۱۹۱ آ.د.ک. احضار تابعین نظامی ۱۴۲ همان.

سجل قضائی نظامی ماده ۲۷ آ. س. س. ق. س. جرم معتاد کردن نظامی، ماده ۱۸ ق. مبارزه با مواد مخدر، جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی مواد ۱ به بعد ق. مجازات جرائم نیروهای مسلح، آموزش نظامی، اصل ۳ ق. اساسی. برقراری حکومت نظامی اصل ۷۹ همان. دادگاهها نظامی اصل ۱۷۲ همان. وصیت نظامی ۲۸۵ ق، امور حسبی

نظر قضائی

نظری که دادرس بعد از رسیدگی به موضوع و دلایل آن، مطابق قوانین موضوعه صادر کند (ترمینولوژی حقوق)

نظر مشورتی

نظر مرجع اداری که برای مراجع مادون آن جنبه ارشادی دارد ولسی برای آنان لازمالاتباع نیست و در صورت تمسك به آن، رافع مسئولیت نیست (ترمینولوژی حقوق)

نظم

جمع و جور کردن (المنجد) ترتیب (ف. معین)
ر. ک: اخلال در نظم، ماده ۴ ق اقدامات تأمینی و ۶۲ آ. د. ک و ۲۰۸ ق. م. ا. - استقرار نظم ماده ۴ ق. نیروهای انتظامی - نظم دادگاه ۳۲۷ آ. د. ک. نظم جلسه دادگاه ۱۲۷ آ. د. م و ۴۵ ق امور حسبی

نظمیه

اداره‌یی که نظم شهر را در دست دارد، شهربانی، تشکیلات انتظامی نیروهای پلیس
ر. ک: تصدیق نظمیه، ماده ۹۸۳ ق. م.

نفاس

به کسر اول، حالت وضع حمل، ایام زچگی زن، خونی که پس از زاییدن از زن خارج شود (ف.معین)

ر.ک: تب نفاسی ماده ۱۳ ق طرز جلوگیری از بیماریهای واگیردار، طلاق در حال

نفاس ۱۱۴۰ ق.م

نفس

روح، جسد، شخص انسان، انفس و نفوس، ج (المنجد)

ر.ک: دفاع از نفس ۶۱ ق.م.ا، قصاص نفس ۲۷۸ همان. وقف بر نفس ۷۲ ق.م

نفقه

مسکن و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد

(۱۰۷ ق.م). آنچه داده می‌شود از درهم و غیره، نفقات و نفاق و انفاق، ج (المنجد)

هزینه زندگی زن و فرزندان، آنچه صرف عیال و اولاد کنند (ف.معین)

ر.ک: نفقه اشخاص واجب النفقه ماده ۱۲ آ. دادگاههای انقلاب، مجازات ترک نفقه

۶۴۲ ق.م.ا - نفقه ورشکسته ماده ۲۱ ق. اداره تصفیه - استنکاف از نفقه ۱۲۰۵ ق.م -

استیفای نفقه ۱۱۱۱ همان - اقارب مستحق نفقه ۱۱۹۷ همان - نفقه فرزندان ۱۱۹۹

همان - نفقه والدین ۱۲۰۰ همان - نفقه ورشکسته ۵۰۵ ق.ت

نفی بلد

تبعید از نقطه معین به نقطه یا نقاط دیگر، (ترمینولوژی حقوق)

ر.ک: نفی بلد، مجازات محاربه و افساد فی الارض ۱۹۰ ق.م.ا

نقره

سیم نامسكوك، فلزی درخشنده، و براق و صیقل‌پذیر و منعكس‌کننده نور (ف.معین) طلا و نقره اساس ضرب دینار و درهم و هر دو از فلزات بسیار گرانبها به‌شمار می‌آیند.

ر.ك: مسكوك نقره تقلبی، ماده ۵۱۸ ق.م.ا.

نقص

كسری، ناتمامی، کمی، عیب، ناتوانی، نقصان (المنجد)

ر.ك: نقص منفعت ماده ۴۷۷ ق.م.ا. - نقصان صورت ۴۷۲ همان - نقص مکانیکی خودرو ۷۱۸ همان - نقص عضو ۷۱۵ و ۷۱۶ همان - نقص وسایط نقلیه ماده ۴۳ و ۱۷۹ آ. راهنمائی و رانندگی - نقص فك ۴۱۷ ق.م.ا. - ایراد نقص به حیوانات ۶۷۹ همان - نقص تركه ۹۱۴، ۹۲۷ و ۹۳۰ ق.م. - نقص مبیع ۳۸۸ همان - نقص عاریه ۶۴۰ همان - نقصان قرض ۶۴۹ همان

نقض

بی‌اثر، لغو، مخالفت، رد، شكستن، برهم زدن، (المنجد)

ر.ك: نقض حكم ۳۱۶ آ.د.ك و ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ ق. تشكيل دادگاه‌های عمومی و انقلاب. نقض استقلال ماده ۱۶، ق. فعالیت احزاب و جمعیتها - رسیدگی بعد از نقض ماده ۷ ق. تجدیدنظر احكام دادگاهها - نقض قرار و حكم ماده ۵۵۹ آ.د.م - نقض بلاارجاع ۴۵۸ آ.د.ك

نقل

جا به جا کردن (المنجد) ← حمل و نقل

نکاح

ازدواج (المنجد)

ر.ك: دعاوی راجع به اصل نکاح ماده ۳ ق. تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و

ماده ۷ آئین‌نامه همان قانون خواستگاری برای نکاح ۱۰۳۴ ق.م. - موانع نکاح، ۱۰۴۵

به بعد همان - وکالت در نکاح ۱۰۷۱ همان - نکاح منقطع ۱۰۷۵ همان - فسخ نکاح

۱۱۲۱ همان

نکول

خودداری کردن از پرداخت وجه حواله، برات و مانند آن، روگردانی، خودداری

(ف.معین)

ر.ك: نکول از برات، ماده ۲۳۱ ق.ت و مواد ۲۳۵ به بعد همان

نمآت

افزودنیها، اضافه شدنها، رشد و نمو یافته‌ها (ف.معین)، زیاد شدن، کثیر گردیدن،

ارتفاع گرفتن (المنجد) نما، مفرد

ر.ك: نمآت موهوبه ۸۰۴ ق.م. - نمای حاصل از زمین ۳۳ ق.م. - نمآت قبل از اخذ

به شفعه ماده ۸۱۹ همان

نمآت متصل

نماء پیوسته به مال معین مانند فربهی گوسفند یا پشم آن که چیده نشده

(ترمینولوژی حقوق)

نمآت منفصل

نمائی که از مال جداشده، مانند میوه که از درخت چیده شده باشد ...
(ترمینولوژی حقوق)

نماینده

وکیل، مباشر، کارگزار / کسی که از طرف مردم به عضویت مجلس انتخاب می‌شود (دهخدا - معین)

ر.ک: نماینده سیاسی ۲۹ به بعد کنوانسیون مزایا و مأموریت‌های مخصوص.
نماینده مجلس و ممنوعیت وکالت و تصدی شغل ماده ۳ لایحه منع مداخله در معاملات دولتی و ماده واحده ق. ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل - جرائم نماینده مجلس، ماده ۸ ق. تشکیل دادگاههای عمومی - نمایندگی تجارتي، ۴۰۱ ق.ت - انتخاب، مدت و وظائف و آزادی نماینده مجلس اصول ۶۲ به بعد ق. اساسی

نوار

باند، باریکه، هر بافته پهن و باریک و دراز، (دهخدا) رشته بی صنعتی و تعبیه شده در داخل کاست یا پیچیده شده بر گرد بوبین که صدا را در آن ضبط کرده‌اند.

ر.ک: تکثیر از نوار ماده ۲ ق. مجازات فعالیت در امور سمعی، بصری - واردات نوار ماده ۴۰ ق. امور گمرکی - نوار مبتذل ماده ۳ ق. مجازات فعالیت در امور سمعی، بصری

نوزاد

کودک تازه به دنیا آمده، جدید الولاده.

ر.ک: کفیل نوزاد ۹۱ ق.م.ا، تلف نوزاد همان ماده گواهی مرگ نوزاد ماده ۲۴ ق.

ثبت احوال - گذرنامه نوزاد ماده ۲ ق. گذرنامه - ازدیدن، مخفی کردن و تعویض نوزاد - ماده ۶۳۱ ق.م.ا

نهر

جوی گشاده (المنجد) مجرای آب، جوی آب (دهخدا)
 ر.ک: نصیب مفروز از نهر ۱۵۲ ق.م - حیات نهر ۱۴۸، نهر مشترک ۱۵۰ همان -
 استفاده از نهر مباح ۱۵۵ همان - حقایب در نهر ماده ۱۰ ق. قنوات - ثبت نهر ۴۲ ق.ث -
 اعراض از نهر ۲۹ ق. توزیع عادلانه آب - حفر و حریم نهر ۳۷ همان

نیابت

قائم مقامی، به جای کسی ایستادن، نمایندگی، جانشینی، وکالت (المنجد)
 ر.ک: نیابت قضائی دادستان ۲۲۸ آ. سازمان زندانها - نیابت کنسولی، ماده ۵
 کنوانسیون وین - نیابت قضائی ماده ۱۴ ق. تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب -
 نیابت اجرائی ماده ۱۱۷۶ آ. اجرای مفاد اسناد رسمی - نیابت قضائی ۴۷۰ آ.د.م

نیابت قانونی

نیابت قهری، نیابتی که به موجب قانون و بدون قرارداد به کسی داده شود
 مانند نیابت ولی قهری نسبت به مولی علیه و نیابت حاکم از طرف ممتنع
 (ترمینولوژی حقوق)

نیابت قضائی

نیابتی که کارمندان قضایی در امور قضایی به کارمندان قضائی مکان دیگر اعم از
 داخله و خارجه می دهند . . . (ترمینولوژی حقوق)

نیت

قصد، آهنگ، عزم، تصمیم قطعی (ف.معین)، حالت نفسانی کسی که عملی را مرتکب می‌شود و علم به جهات فساد عمل خود چه از نظر مدنی و چه از نظر کیفری دارد مانند متصرف با سوء نیت، مانند کسی که مال مسروق را با علم به وضع آن بخرد (ترمینولوژی حقوق)

* * *

احب عباد الله الى الله احسنهم خلقاً

بهترین بندگان در پیش خدا کسی است که خلقش نیکوتر باشد

حضرت محمد (ص) نهج الفصاحه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی